

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مبانی نظری بیداری اسلامی

از نگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای

تألیف:

دکتر حسن بشیر

دانشیار جامعه‌شناسی ارتباطات بین‌الملل

دانشگاه امام صادق علیه السلام

۴ □ مبانی نظری بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)

ویراستار ادبی: میثم آفادادی

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه مؤلف.....	۱۳
فصل ۱. بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره).....	۳۳
مقدمه.....	۳۳
سلفی‌گری و اصلاح‌طلبی در جهان اسلام.....	۳۵
جریان سلفیه به‌عنوان رویکردی اصلاح‌گرایانه.....	۳۷
ظهور نوگرایی اسلامی.....	۴۰
دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی معاصر.....	۴۳
تحلیل گفتمانی بیانات امام درباره «بیدارسازی اسلامی».....	۴۷
بخش اول تحلیل.....	۴۸
بخش دوم تحلیل.....	۱۲۴
جمع‌بندی محورهای عمیق بیدارسازی اسلامی در کلام امام (ره).....	۱۲۵
اول: تعریف بیداری اسلامی و شاخص‌های آن.....	۱۲۵
دوم: ضرورت و اهداف بیداری اسلامی.....	۱۲۷
سوم: علل و عوامل ایجاد‌کننده بیداری اسلامی.....	۱۲۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۴۴

۱۴۹.....	فصل ۲. بیداری اسلامی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای.....
۱۴۹.....	مقدمه.....
۱۵۲.....	آثار جهانی پیروزی انقلاب اسلامی ایران.....
۱۵۲.....	۱. بیداری فطرت‌های انسانی.....
۱۵۳.....	۲. ارائه‌ی الگوی مبارزه به ملت‌ها.....
۱۵۷.....	۳. گسترش موج بیداری در جهان.....
۱۵۹.....	۴. آینده‌ی روشن.....
۱۶۰.....	۵. حاکمیت جهانی اسلام.....
۱۶۱.....	تحلیل گفتمان رهبری درباره «بیداری اسلامی».....
۱۶۳.....	بخش اول تحلیل.....
۲۶۱.....	بخش دوم تحلیل.....
۲۶۲.....	جمع‌بندی محورهای عمیق بیداری اسلامی در کلام رهبری.....
۲۶۲.....	اول: تعریف بیداری اسلامی و شاخص‌های آن.....
۲۶۷.....	دوم: ضرورت و اهداف بیداری اسلامی.....
۲۶۹.....	سوم: علل و عوامل ایجاد‌کننده بیداری اسلامی.....
۲۷۲.....	چهارم: عوامل مؤثر در ضعف یا شدت بیداری اسلامی.....
۲۷۴.....	پنجم: موانع و تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی.....
۲۸۴.....	ششم: نقش نخبگان در بیداری اسلامی.....
۲۸۶.....	هفتم: نقش محوری جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی.....
۲۸۸.....	هشتم: پیامدها و نتایج محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیداری اسلامی.....
۲۸۹.....	جمع‌بندی محورهای عمیق‌تر بیداری اسلامی در کلام رهبری.....
۲۹۴.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۹۹.....	فصل ۳. تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های امام و رهبری در حوزه بیداری اسلامی.....
۲۹۹.....	مقدمه.....
۳۰۰.....	اول: تعریف بیداری اسلامی و شاخص‌های آن.....

فهرست مطالب ۷

دوم: ضرورت و اهداف بیداری اسلامی	۳۱۲
سوم: علل و عوامل ایجاد کننده بیداری اسلامی	۳۱۷
چهارم: عوامل مؤثر در ضعف یا شدت بیداری اسلامی	۳۲۷
پنجم: موانع و تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی	۳۳۱
ششم: نقش نخبگان در بیداری اسلامی	۳۴۱
هفتم: نقش محوری جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی	۳۴۶
هشتم: پیامدها و نتایج محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیداری اسلامی	۳۵۱
فصل ۴. نتیجه‌گیری: الگوی بیداری اسلامی از نگاه امام (ره) و رهبری	۳۵۵
مقدمه	۳۵۵
جهان بینی فرانظری «بیدارسازی» امام (ره)	۳۵۷
جمع‌بندی محورهای کلان گفتمانی امام (ره) و رهبری در حوزه «بیداری اسلامی»	۳۵۸
بیدارسازی اسلامی: جهان بینی فرانظری امام (ره)	۳۶۲
نظریه گفتمان «بیداری اسلامی» رهبری	۳۶۶
منظومه معنایی نظریه «بیداری اسلامی» در گفتمان رهبری	۳۶۷
جمع بندی محورهای کلان گفتمانی رهبری	۳۶۷
اول: گفتمان ساخت نظریه «بیداری اسلامی»	۳۶۷
دوم: گفتمان الگوسازی برای «بیداری اسلامی»	۳۷۰
سوم: گفتمان توانمندسازی «بیداری اسلامی»	۳۷۳
چهارم: گفتمان جهانی سازی بیداری اسلامی	۳۷۸
پنجم: گفتمان آینده نگری «بیداری اسلامی»	۳۷۹
منابع و مأخذ	۳۸۱
نمایه آیات و روایات	۳۸۵
نمایه اعلام و موضوعات	۳۸۷

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشران

«علوم انسانی اسلامی» از جمله ایده‌ها و مفاهیم ارزشمندی است که در جریان انقلاب علمی برآمده از جمهوری اسلامی ایران، مطرح و در راستای تحقق آن متون متعددی تحقیق، تألیف و عرضه گردیده است. این حوزه مطالعاتی از حیث مصداقی در بردارنده مطالعات نظری (بنیادی)، تحلیلی (توسعه‌ای) و عملیاتی (کاربردی) می‌باشد که می‌توان آنها را مکمل هم ارزیابی نمود. تلاش برای معرفی، ترویج و کاربست نتایج مطالعات انجام شده در حوزه علوم انسانی اسلامی را می‌توان رسالت مهمی ارزیابی نمود که تمامی دانشگاه‌ها، مؤسسات علمی و پژوهشی کشور لازم است. متناسب با اهداف و توانمندی‌هایشان بدان همت گمارند.

اگرچه مساعی صورت گرفته در این خصوص در سطح ملی، درخور توجه است اما بررسی‌های آسیب‌شناسانه حکایت از وجود پاره‌ای از موانع دارد که کیفیت، حجم و قلمرو نفوذ آثار تولید شده در پارادایم مطالعات علوم انسانی اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این موانع می‌توان به محدودیت منابع انسانی و مالی اشاره داشت که انجام پژوهش‌های اسلامی - ایرانی و نشر آنها در زمان مناسب را متأثر ساخته است. معنای این سخن آن است که توسط این‌گونه از مطالعات - با عنایت به ضروریات نظری و کاربردی جامعه - نیازمند طراحی راهبردهای فعالی است که بتواند به ارتقای محتوایی و افزایش کمی آنها در مقام پژوهش و نشر منتهی گردد.

دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، با توجه به ملاحظات مزبور، طی تفاهم‌نامه‌ای نسبت به تعریف پروژه‌های

تحقیقاتی مشترک توافق نمودند تا از طریق تعریف و ایجاد یک شبکه پژوهشی مشترک، بتوانند به تجمیع توانمندی‌ها و توسعه فعالیت‌های پژوهشی و انتشاراتی نایل آیند. بررسی اولیه این تجربه حکایت از توفیق دو مؤسسه در نیل به اهداف مصوب دارد و این که این اقدام می‌تواند در مراحل بعدی تقویت و توسعه یابد؛ به گونه‌ای که به ایجاد یک شبکه فعال منتهی گردد.

نکته دیگری که در ارتباط با پژوهش‌های موضوع تفاهم‌نامه مشترک بین دانشگاه و پژوهشگاه، قابل ذکر است؛ به متون ترجمه شده‌ای باز می‌گردد که از منظر انتقادی در گستره مطالعات غیربومی، شناسایی، انتخاب، ترجمه و عرضه شده‌اند. اگرچه این متون در حداقل ممکن قرار دارند و اکثریت پژوهش‌های حاصل آمده از محل این همکاری، جنبه تألیفی دارند، اما اندک متون ترجمه‌ای با هدف معرفی مبانی و یا نقد درونی دیدگاه‌های مسلط انتخاب شده‌اند و از این حیث درخور توجه می‌باشند.

ناشران ضمن عرض سپاس به درگاه ایزد منان به واسطه این توفیق و تشکر از محققانی که همکاری نموده‌اند، خرسند هستند که نتیجه یکی دیگر از پژوهش‌های مشترک دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات را خدمت علاقه‌مندان ارائه نمایند. این اثر به‌عنوان یکی از اولویت‌های پژوهشی پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات توسط دکتر حسن بشیر دانشیار جامعه‌شناسی ارتباطات بین‌الملل دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و با نظارت علمی دکتر ابراهیم برزگر انجام شده است. امید آن که مخاطبان این اثر، با ارائه نکات اصلاحی و تکمیلی خود، پژوهش و ناشران را در تهیه و نشر آثار تکمیلی این حوزه در آینده نزدیک یاری رسانند. افزون به آن ناشران آمادگی خود را برای دریافت، بررسی و نشر سایر دیدگاه‌های علمی مرتبط با موضوع اعلام می‌نمایند تا از این طریق بتوانند گفتمان اسلامی - ایرانی بنیاد گذارده شده را هرچه بیشتر و بهتر معرفی نمایند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَمْ یَاۤیُّۤنَ لِلَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡۤا اَنْ یَّخۡشَعُوۡۤا قُلُوۡبُهُمۡ لِذِکْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ وَّلَا یَکُوۡنُوۡۤا کَالَّذِیۡنَ
اَوْفُوا الْکِتٰبَ مِنْ قَبْلِ فَطَال عَلَیۡهِمُ الْاَمَدُ فَحَسَبَتْ قُلُوۡبُهُمۡ وَ کَثِیۡرٌ مِنْهُمۡ فَاسِقُوۡنَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه الحديد، آیه شریفه ۱۶)

پیشگفتار

بررسی تحلیلی تاریخ تحول جوامع بشری حکایت از آن دارد که مکتب اسلام به دلیل اصالت ذاتی و حقانیتی که از ناحیه شارع برای آن قرار داده شده است، پیوسته مورد اقبال و توجه عقول سلیم و قلوب پاک بوده است. با این حال، ذرّ گرانمایه نزد مسلمانان چنان که شایسته و بایسته بوده، پاس داشته نشده و لذا شاهد برخی از غفلت‌ها، انحراف‌ها و یا جهالت‌ها در موضوع التزام به اصول اسلامی و دعوت به آن بوده ایم. آنچه این وضعیت نامطلوب را نقد و اصلاح نموده، لطف الهی و اراده مردان و زنان مؤمنی بوده که توانسته خیزش‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اصلاحی را با هدف بازگشت به اسلام پدید آورد. بیداری اسلامی را می‌توان نظریه‌ای جامع و کاربردی در این زمینه ارزیابی نمود که دو ساحت نظر و عمل را در حیات انسان تحت تأثیر قرار داده است.

با عنایت به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های نظریه «بیداری اسلامی» - از یک سو - و حساسیت‌ها و پیامدهای قابل توجه عملی آن - از سوی دیگر - دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی با اهداف: یک) شناخت و تحلیل تحولات جاری در منطقه؛ دو) گمانه‌زنی و سناریوپردازی در خصوص آینده تحولات منطقه‌ای و جهانی؛ و سه) ارائه راهبردها و راه‌کارهای مناسب برای مدیریت بیداری اسلامی جهت نیل به اهداف عالی آن در آینده تأسیس گردید.

۱۲ □ مبانی نظری بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)

دبیرخانه ضمن تشکر از تمام اساتید، دانشجویان و محققانی که ما را در انجام این مهم و تحقق اهداف بیان شده، یاری نموده‌اند؛ از تمام کارشناسان و پژوهشگران تقاضا دارد با ارسال نظرات و آثار خود ما را در این راه دشوار علمی یاری رسانند. برای این منظور دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی^۱ آماده دریافت و نشر سایر آثار تکمیلی و اصلاحی می‌باشد.

دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی

۱. نشانی دبیرخانه: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ساختمان جدید، طبقه پنجم، معاونت پژوهشی، دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی.

مقدمه مؤلف

بیان مسئله

انقلاب اسلامی مقوله‌ی بیداری اسلامی را در جهان اسلام و در کل عالم، همواره یکی از مهمترین اهداف تعریف شده برای خود می‌داند؛ چرا که از یک طرف این انقلاب خود از جنس بیداری اسلامی بوده و از طرف دیگر، صدور این پیام احیاگر را از اصلی‌ترین وظایف و رسالت‌های خود می‌داند، به طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت حمایت مادی و معنوی از حرکت‌های آزادی‌خواهانه‌ی مستقل از وظایف این نظام بر شمرده شده است. در بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی چنین آمده است: «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). همچنین در اصل ۱۵۴ مطرح شده است که: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). بنابراین انقلاب اسلامی در راستای صدور پیام‌های اسلام ناب محمدی (ص) از جمله ظلم‌ستیزی و

استکبارستیزی، مبارزه با جریان‌های دین‌ستیزانه، مقابله با نظام سلطه، راهبردهای گسترده‌ای را تعریف کرده است که یکی از مهمترین آنها حمایت از جنبش‌های مردم نهاد در این راستا است.

به نظر می‌رسد زمان حاضر عصر شکوفایی و ثمربخشی این سیاستگذاری کلان و دراز مدت است، به طوری که در یک سال اخیر شاهد آن هستیم که خیزش عمیق و گسترده‌ی مردمی - اسلامی که مصداق اتم بیداری اسلامی است، در منطقه رخ داده و امید آن می‌رود که به جهان غرب نیز کشیده شود. آنچه اهمیت دارد مغتنم شمردن فرصت تاریخی بدست آمده است، بدین معنا که این بیداری اسلامی در سرتاسر جهان اسلام به سرمنزل مقصود که همانا شکل‌گیری حاکمیت‌های اسلامی حقیقی است، برسد.

تجربه‌ی انقلاب اسلامی ثابت کرده است که رکن رکین یک جریان اسلامی، رهبری آن جریان است. ما چه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و چه در دوام و بقاء آن نقش رهبری و حاکمیت مدبرانه و شجاعانه را به خوبی مشاهده می‌کنیم. بر همین اساس برای بهره‌گیری از این فرصت بازخوانی نگاه رهبران انقلاب اسلامی یعنی حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای و سیاست‌گذاری بر اساس چارچوب نظری به دست آمده، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این پژوهش با هدف ترسیم چارچوب نظری به عنوان هدف اصلی و برخی از جنبه‌های عملی بیداری اسلامی بر اساس دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی طراحی شده است. منظور از چارچوب نظری در اینجا، مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تحلیلی نسبت به یک پدیده است که درک درست و واقع بینانه‌ای از روندها، متغیرها و روابط آنها در آن پدیده به ما می‌دهد به طوری که امکان پیش‌بینی و تغییر در آن پدیده را به ما می‌دهد. طبیعی است که قدرت تبیینی چارچوب نظری، امری متغیر است و کاملاً بستگی به روش‌شناسی ما در درک پدیده‌ها دارد. این پژوهش اساساً به دنبال طراحی یک چارچوب نظری کلی نسبت به پدیده‌ی بیداری اسلامی نیست، گرچه آن نیز یک امر جدی و نیازمند طراحی است، بلکه به دنبال ترسیم

چارچوب نظری امام و رهبری نسبت به این مقوله می‌باشد. یعنی در حقیقت در صدد است نوع نگاه رهبران جمهوری اسلامی و چارچوب تحلیلی آنها نسبت به بیداری اسلامی را کشف و توصیف کند.

برای تحقق این هدف استفاده از یک روش نظام‌مند برای جمع‌آوری و تحلیل سخنرانی‌های امام و رهبری اهمیت فراوانی دارد. در قسمت روش به‌طور مبسوط به این موضوع پرداخته خواهد شد.

محورهای اساسی بحث در این پژوهش که در صدد کشف دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب در رابطه با بیداری اسلامی کنونی در جهان اسلام می‌باشد، به شرح ذیل است:

- تعریف بیداری اسلامی و شاخص‌های آن
- ضرورت و اهداف بیداری اسلامی
- علل و عوامل ایجادکننده بیداری اسلامی
- عوامل مؤثر در ضعف یا شدت بیداری اسلامی
- موانع و تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی (استبداد، استکبار جهانی، صهیونیسم، وهابیت، سکولاریسم، ملی‌گرایی و قوم‌گرایی افراطی)
- نقش رهبری، نخبگان و مردم در بیداری اسلامی
- پیامدهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیداری اسلامی

در اینجا ضمن بازخوانی دیدگاه‌های حضرت امام و رهبر معظم انقلاب، سعی شده است که موارد فوق از دیدگاه‌های آنان مورد استنتاج قرار گیرد. در همین راستا، نگاه ویژه‌ای به نقش رهبری، نخبگان و مردم در بیداری اسلامی به دلیل اهمیت آن خواهیم داشت. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، ایجاد پیوند میان مقوله‌های فوق برای دستیابی به یک الگوی منسجم و گویا در سطح نظری نسبت به پدیده بیداری اسلامی است. لذا علاوه بر این که در هر مقوله‌ی فوق، شاخص‌ها و زیر مقوله‌های مرتبط را در نگاه امام و رهبری کشف و بررسی شده‌اند، در سطحی کلان‌تر، تلاش شده است نظام پیوندی خود مقوله‌ها در الگوی نظری بیداری اسلامی که

برآمده از نظر امام و رهبری است، ترسیم شوند. اینکه چگونه الگو شکل خواهد گرفت به روش ما در این تحقیق بر می‌گردد که در بخش روش به طور مبسوط بررسی می‌شود.

بنابراین سؤال اصلی در این پژوهش عبارت است از:

مبانی نظری یا چارچوب نظری بیداری اسلامی بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای چیست و به طور مشخص الگوی برآمده از آن چگونه است؟

اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق

• جهت‌دهی و حمایت از جریان‌های بیداری اسلامی، یکی از راهبردهای اصلی جمهوری اسلامی ایران در جهت صدور پیام‌های ایدئولوژیک آن است. بر همین اساس طراحی الگوی بیداری اسلامی که مبتنی بر دیدگاه رهبری دینی به عنوان ولایت فقیه باشد، اهمیتی ویژه می‌یابد. این پژوهش به دنبال تحقق این هدف است.

• ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که جریان بیداری اسلامی در منطقه در حال رسیدن به نقطه‌ی اوج خود و به بیان دیگر به نقطه‌ی ثمربخشی خود است. امروزه شاهدیم که این پدیده، به یکی از اصلی‌ترین رویدادهای عصر حاضر مبدل شده است و به همین میزان اهمیت، ابعاد پیچیده‌ای یافته است به طوری که جریان‌های فکری فراوانی در صدد استفاده یا سوء استفاده از آن هستند. داشتن یک چارچوب نظری تبیین‌گر و جهت‌ده، نقشی اساسی در اتخاذ مواضع منطقی و درست را نسبت به این جریان‌ها ایفا می‌کند.

• نوع واکنش نظام جمهوری اسلامی نسبت به بیداری اسلامی به خصوص در ماه‌های اخیر، بر اساس نگاه رهبری نظام، قابل تحلیل و درک است. کشف چارچوب نظری امام و رهبری دو فایده‌ی مهم دارد: اولاً به ما قدرت تحلیل و درک نسبت به موضع‌گیری‌های نظام می‌دهد و ثانیاً ضعف‌ها و خلأها را عیان می‌کند یعنی نشان می‌دهد که دستگاه‌های

سیاست‌گذاری و اجرایی در چه زمینه‌هایی نسبت به آرمان‌های ترسیم شده‌ی رهبری کوتاهی نموده‌اند.

چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش

برای فهم هر چه بیشتر مبانی نظری بیداری اسلامی از منظر امام و رهبری استفاده از چارچوب نظری جنگ نرم بسیار مفید است.

در توضیح این نظریه باید گفت تا سال ۱۹۴۵ میلادی غالب جنگ‌ها "جنگ سخت"^۱ بود. پس از آن، با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها میان آمریکا و شوروی سابق آغاز شد که به "جنگ سرد"^۲ مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم^۳ بود که طی آن دو ابرقدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. جنگ سرد اصطلاحی است وضع شده توسط برنارد باروک، سیاستمدار آمریکایی که به دوره‌ای از تنش‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها در روابط ایالات متحده، شوروی و هم‌پیمانان آنها در طول دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ اطلاق می‌شود. در طول این دوره رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه‌های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه داشت. این رقابت‌ها پیامدهایی مانند مسابقات فضایی، پرداخت هزینه‌های گزاف دفاعی، مسابقات جنگ‌افزار هسته‌ای و تعدادی جنگ‌های غیرمستقیم به دنبال داشت. اما با فروپاشی شوروی سابق، پدیده‌ی جنگ سرد نیز دیگر محلی از اعراب نداشت و جای خود به پدیده‌ها و ادبیات‌های جدید توجیه‌کننده‌ی آنها داد. ادبیاتی که می‌توانست روابط تقابلی قدرت‌های سابق و قدرت‌های نوظهور را تحلیل و توجیه کند. کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافته‌اند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون

1. Hard War
2. Cold War
3. Soft War

دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به «جنگ نرم» شهرت یافت.

جان کالینز تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» (کالینز، ۱۳۷۳)، می‌داند. معروفترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه قدرت نرم نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله سیاست خارجی شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» (نای، ۱۳۸۷) تعریف کرد. بنابراین جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است. روح حاکم بر چارچوب نظری مد نظر ما، انطباق قابل توجهی با ادبیات جنگ نرم دارد. اگرچه تفاوت‌های ماهوی با برخی اشکال جنگ نرم غربی از جمله استفاده از شگردهای انقلاب مخملی - که در آن از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده می‌شود- دارد. جمهوری اسلامی در پیگیری اهداف کلان خود نسبت به تحقق بیداری اسلامی، در فضای یک جنگ تمام عیار فرهنگی - ارتباطی با نظام سلطه قرار دارد. از یک سو، مستکبران به حمایت و دفاع تمام عیار از حکومت‌های سرسپرده‌ی منطقه مشغولند و از طرف دیگر نظام جمهوری اسلامی به دنبال بیداری اسلامی و تحقق خواست ملت‌ها در استقرار تعالیم ناب اسلامی و اضمحلال حکومت‌های فاسد است. به نظر می‌رسد جنس سیاسی‌ها و نگاه‌ها در تحقق این بیداری اسلامی بر ادبیات و قواعد جنگ نرم منطبق باشد. اگر چه در این تحقیق بر مدل بومی جنگ نرم ایران اسلامی تأکید می‌شود. به

نظر می‌رسد که قدرت نرم جمهوری اسلامی که ملاک تفوق آن در جنگ نرم است، بر دو رکن اساسی استوار است:

- نظام معنایی محکم، منطقی، عمیق و منسجم با درون مایه‌ی اسلامی
- ابزار بسط و گسترش و درونی‌سازی این نظام معنایی.

بر اساس همین دو رکن است که دو حوزه‌ی فرهنگ و ارتباطات در قدرت و جنگ نرم اهمیت می‌یابد. بر همین اساس می‌توان گفت که سخنان امام و رهبری در حوزه‌ی بیداری اسلامی تا حد زیادی دارای ابعاد فرهنگی و ارتباطاتی است.

متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها

در بادی نظر، با سه مفهوم اساسی مواجه هستیم که هر سه‌ی آنها در عنوان پژوهش انعکاس دارد:

- مبانی نظری: به مجموعه گزاره‌های تبیینی گویند که امکان تحلیل یک پدیده و کنکاش پیرامون آن را در سطح نظر، انتزاع و کلان فراهم می‌کند. در واقع هنگامی که ما به یک مبانی نظری پیرامون یک پدیده می‌رسیم، اولاً شناخت آن پدیده برای ما ممکن می‌شود، ثانیاً موضع ما نسبت به آن مشخص می‌شود. ثالثاً ماهیت و ابعاد وجودی آن بر ما عیان می‌گردد و رابعاً آینده‌ی پدیده برای ما قابل پیش بینی خواهد بود. به بیان دیگر، مبانی نظری، روابط علی اصلی در پدیده را مشخص می‌کند و امکان ترسیم الگوی مفهومی پدیده را فراهم می‌کند.

- بیداری اسلامی: بیداری اسلامی، به مجموعه تحرکات فکری-اجتماعی در جهان اسلام گویند که دارای ماهیتی اسلامی در حوزه‌ی اهداف، دغدغه‌ها، مسائل، شعارها و بازیگران است.

- دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای: منظور کلیه‌ی آثار دیداری و شنیداری این دو بزرگوار در زمینه بیداری اسلامی است که تا آنجا که ممکن است مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به طور کلی دیدگاه‌های رهبران دینی در دو قالب قابل انقسام است: ۱- مکتوب ۲- غیر مکتوب (صوتی-

۲۰ □ مبانی نظری بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)

تصویری). مکتوب مانند نامه‌ها و پیام‌ها و غیرمکتوب: مانند سخنرانی‌های صوتی. در این تحقیق آنچه از سخنرانی‌های رهبران به شکل غیر مکتوب است، به صورت مکتوب در می‌آید و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی)

موضوعی: هر آنچه از آثار دیداری و شنیداری که حول موضوع بیداری اسلامی است.

مکانی: اولویت بیداری اسلامی، جغرافیای جهان اسلام است. اگرچه معنای موسع آن کل جهان را در بر می‌گیرد.

زمانی: اولین اثر مکتوب و غیر مکتوب حضرت امام در موضوع بیداری اسلامی و آخرین موضع گیری آیت‌الله خامنه‌ای در این موضوع تا زمان انجام پژوهش.

روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات

روش تحقیق در مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و در مرحله‌ی تحلیل اطلاعات، روش مقایسه‌ی دائمی و تحلیل گفتمان است.

۱- روش اسنادی (کتابخانه‌ای)

این روش از روش‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی است. (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۲۵۷) غیر مزاحمی است بدان معنی که مزاحمتی برای آزمودنی‌ها ندارد و غیر واکنشی است از این جهت که سوءگیری آزمودنی منتفی است. استفاده از اسناد و مدارک زمانی صورت می‌گیرد که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام است و یا آن‌که تحقیق، مرتبط با پدیده‌های موجود بوده ولی محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۲۵۹) استفاده از روش اسنادی، در این پژوهش در دو مقام می‌باشد: اولاً جمع‌آوری سخنان امام و رهبری در قالب مکتوب آن به عنوان اسناد اطلاعاتی و داده‌ای ما بر اساس روش اسنادی صورت می‌گیرد. ثانیاً از منابع موجود در حوزه‌ی بیداری اسلامی برای تبیین هر چه بیشتر دیدگاه امام و رهبری و به عنوان یک تکمله استفاده خواهد شد.

۲- روش مقایسه دائمی

این روش یک روش تحلیل کیفی است. در این پژوهش برای رسیدن به یک نظام مقوله بندی از مبانی نظری بیداری اسلامی برگرفته از کلام امام و رهبری- از فن مقایسه‌ی دائمی استفاده خواهد شد.

در یک سطح کلی، فن مذکور شامل چهار مرحله یا گام است:

۱- مقایسه و قرار دادن وقایع در دسته‌های معین

۲- تدقیق و پالایش دسته‌ها

۳- جست و جو برای یافتن انواع روابط و مضمون‌های مشترک در

میان دسته‌ها

۴- ساده کردن و ترکیب داده‌ها در یک ساختار نظری منسجم

پس از آنکه داده‌ها برای تحلیل آماده شد، پژوهشگر، هر واحد تحلیل را در دسته‌های موقتی که در نظر دارد، قرار می‌دهد. هر بار که یک واحد جدید مد نظر قرار گرفت با سایر واحدهایی که قبلاً در دسته گذاشته شده، مقایسه می‌شود تا درستی گنجاندن آن در دسته مذکور معلوم شود. در صورتی که برخی از واحدهای تحلیل در هیچ دسته از پیش موجود نگنجد، ممکن است ناچار به ایجاد طبقه‌بندی‌های جدید باشیم. برخی واحدها، به دلیل همپوشانی معنایی و مفهومی، ممکن است در بیش از یک دسته قرار گیرد. در طول فرایند مذکور بر مقایسه واحدها جهت یافتن شباهت‌های میان واحدهایی که در هر دسته قرار می‌گیرند، تأکید خواهد شد. در طول مرحله پالایش دسته‌ها، پژوهشگر قواعد یا گزاره‌هایی را که تلاشی برای توصیف معنای ضمنی تعریف‌کننده هر مقوله محسوب می‌شود، روی کاغذ می‌آورد. این قواعد نه تنها به متمرکز کردن مطالعه کمک می‌کند بلکه همچنین به پژوهشگر امکان می‌دهد تا ابعاد نظری نظام دسته‌بندی رو به ظهور را نیز کاوش کند. با این همه، ارزش نهایی این قواعد، آن است که نتایج پژوهشی را تعیین می‌کند. مرحله سوم در روش مذکور مستلزم جست و جو برای یافتن روابط و الگوهای مشترک در بین دسته‌هاست. پژوهشگر گزاره‌ها را امتحان می‌کند و

در پی حلقه‌های ارتباطی معنادار می‌گردد. هدف از این مرحله تدوین عبارت‌هایی است که می‌تواند پدیده مورد بررسی را تبیین کند. در مرحله پایانی فرایند مذکور نیز، گزارشی که پژوهش را خلاصه و جمع‌بندی می‌کند، نوشته می‌شود. همه نتایج تحلیل‌های پیش‌گفته در یک تبیین منسجم درباره پدیده مورد نظر ادغام می‌شود. پژوهشگر می‌کوشد تبیین کوتاهی ارائه دهد، اما تبیینی که به اندازه کافی جان کلام طرح تحقیقاتی را برساند. (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۸)

۳- تحلیل گفتمان^۱

بکارگیری روش تحلیل گفتمان در تکمیل روش مقایسه دائمی خواهد بود. تحلیل گفتمان یکی از روش‌های مناسب کیفی برای تحلیل معانی ضمنی و نهفته و پیام‌های مختلف آشکار و پنهان در گفتارهاست. شیفرین^۲ و استابز^۳، روش تحلیل گفتمان را چنین تعریف کرده‌اند:

به طور اختصار روش تحلیل گفتمان، همان‌گونه که یکی از برجسته‌ترین اساتید آن به نام تیون.ای.ون.دایک مطرح می‌کند، "تحقیق در زبان شناسی، واژه‌شناسی و نشانه‌شناسی متن نوشته‌ها و گفته‌هاست". به عبارت دیگر معنا و مفهوم به دست آمده از مطالعه و تحقیق در یک متن نوشته‌شده، تنها در چارچوب همان متن محصور نمی‌شود، بلکه عوامل و شرایط مختلف زمانی، مکانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و حتی اخلاق و رفتار فردی، در ایجاد معنای کامل^۴ یک متن، دخالت داشته و تصویر کامل از معنای یک متن را به دست می‌دهند. (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۶؛ ۱۳۸۸، ۱۳۸۹)

تحلیل گفتمان به این ترتیب تحلیل اجتماعی مقوله‌های زبانی است یا به عبارتی استفاده از پس‌زمینه‌ها و یا رفتارهای اجتماعی برای بررسی و

1. Discourse Analysis
2. Deborah Schiffrin
3. Michael Stubbs
4. Comprchensive Meaning

ارزیابی مقوله‌های کلامی و زبانی در یک متن می‌باشد. هدف اصلی مطالعه گفتمان، ایجاد توصیفی واحد، از سه بعد اساسی گفتمان است؛ این ابعاد شامل کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعادل در موقعیت‌های اجتماعی است. در مطالعه مفهوم گفتمان، نحوه تقابل و تأثیر این ابعاد نسبت به هم مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ون‌دایک، ۱۳۸۲)

دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

در مرحله تحلیل و تفسیر متن، شناخت مفاهیم و دلالت‌های ضمنی به محقق کمک می‌کند تا در تحلیل خود به این مطلب برسد که در فلان گزاره چه معانی غیر صریح و غیر آشکاری وجود داشته است. اینکه کنشگر متن از به کار بردن چنین معانی‌ای چه نیتی داشته و کاربرد آنها چه معانی یا دلالت‌هایی را در پی دارد. محقق، معانی خاصی را به گزاره‌ها یا برخی جملات مهم متن نسبت می‌دهد تا مشخص کند که عبارات یا متن مذکور چه قواعدی را در بر می‌گیرند. در این حوزه، تلقین چیزهایی را شامل می‌شود که متن به وسیله آنها در صدد ذهنیت‌سازی است. تداعی، یادآوری مفاهیم و تعابیر ناگفته در یک متن است. در تلقین و تداعی، کنشگر به شکلی غیرمستقیم، افکار و ایده‌های ذهنی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد و با بیان ناگفته‌های مورد نظر خود، ذهنیت او را متأثر می‌کند. (فرقانی، ۱۳۸۲)

مدل رمزگانی^۱ و مدل استنباطی^۲ ارتباطات

هدف اصلی نظریه کاربردشناسی^۳ به مثابه ابزاری برای تسهیل در فهم متن، تشریح عواملی به غیر از دانش معنای جملات است که تفسیر جملات را متأثر می‌کند. در واقع، فهم یک پاره‌گفتار، دربرگیرنده چیزی بیش از دانستن صرف معنای جمله بیان شده است [اما] تقریباً تا بیست سال پیش، تصور بر این بود که تنها یک راه برای پرداختن به کاربردشناسی وجود دارد. فرض عمومی بر این بود که ارتباطات به طور کلی، و ارتباط کلامی به

1. Coding
2. Inferential
3. Pragmatics

صورت خاص، به وسیله رمزگذاری و رمزگشایی پیام‌ها حاصل می‌شود... کسی که ارتباط برقرار می‌کند، هنگام تصمیم‌گیری برای ارسال یک پیام خاص، علامت مرتبط با پیام را به وسیله یک رمز منتقل می‌کند؛ شنونده هنگام دریافت علامت، پیام مرتبط با آن را به وسیله رمز بازیابی می‌کند (ویلسون و اسپریر، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۵). کاربردشناسی، مطالعه معنی با توجه به گوینده و شنونده و به طور کلی ارتباط‌گر و مخاطب است و از این حیث، در مقابل "معنی‌شناسی" قرار دارد؛ که مطالعه معنی، مستقل از گوینده و شنونده محسوب می‌شود. (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۴۲)

برای تکمیل این مدل یا در واقع ارائه مدل کامل‌تر، باید به جنبه استنباطی ارتباط هم‌نگریسته شود:

از این جنبه - یک جنبه استنباطی - ارتباط، نه به واسطه کدگذاری و کدگشایی پیام‌ها، بلکه به واسطه فراهم کردن شواهدی برای یک فرضیه مطلوب در مورد نیات فرد ارتباط‌گیرنده میسر شده است. ارتباط، زمانی موفق است که مخاطب، شواهد را در امتداد خطوط موردنظر تفسیر کند. براساس مدل استنباطی، تفسیر پاره‌گفتارها، مانند تفسیرشواهد به‌طورعام، همواره در معرض خطر [تفسیرهای متفاوت] است... در مقابل، زمانی که روندهای رمزگشایی به درستی بر علامتی که مخدوش نشود اعمال می‌شوند، نه تنها بازیابی تفسیر، بلکه بازیابی درست؛ یعنی تفسیر مطلوب را نیز تضمین می‌کنند. (ویلسون و اسپریر، ۱۳۸۷: ۳۶۱-۳۶۰)

نظریه بازنمایی^۱

اگر بازنمایی را آن‌گونه که استوارت هال می‌گوید، استفاده از "زبان" برای تولید نکته‌ای معنادار درباره‌ی جهان بدانیم و بر این باور باشیم که معنا در ذات وجود ندارد، بلکه ساخته می‌شود و نتیجه و محصول یک رویه دلالتی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲)، بنابراین ساخت معنا بر مبنای جهان بینی‌ها و فرهنگ‌های مختلف و زبان بکارگرفته شده انجام می‌گیرد.

از روش‌های بازنمایی متون مختلف از جمله متون رسانه‌ای، می‌توان به رویکردهای نشانه‌شناسی، تحلیل معنی، تحلیل گفتمان و در سطح نازل‌تری به تحلیل محتوا اشاره کرد. در واقع، بعد بازنمایی در رسانه‌ها، با روش‌های مختلف، قصد شناسایی و رمزگشایی از پیام‌های ارتباطی و نسبت آنها با "منابع قدرت" و "ایدئولوژی"ها را دارد. اما آنچه که شالوده بازنمایی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، ارائه رویکردی "تحلیل گفتمانی" است.

در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان «روش عملیاتی تحلیل گفتمان «پدام»^۱ استفاده شده است. این روش که متأثر از رویکرد تحلیل گفتمانی نورمن فرکلاف است، دارای پنج سطح می‌باشد؛ یعنی دربردارنده سه اصل رهیافت نورمن فرکلاف، به علاوه دو سطح عمیق و عمیق‌تر است.

این شیوه بر دو پایه تحلیل لایه‌های "سطح" و "عمق" در چهار بعد "سطح-سطح"، "عمق-سطح"، "سطح-سطح" و "عمق-عمق" استوار است. در "سطح-سطح" یا فوقانی‌ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جستجو کرد. "عمق-سطح" که عمیق‌ترین لایه سطحی متن است، ساختار درونی یا "محتوای بیان" را در بردارد. در "سطح-عمق" یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق متن، محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوعات مطرح شده در متن و دلیل این انتخاب، در این لایه از متن واقع شده است. در آخرین یا عمیق‌ترین لایه متن، ساختارهای کلان واقع شده‌اند. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن و نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی-فرهنگی مخاطب و بالاخره ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی در برگیرنده متن، از جمله ساختارهای کلانی هستند که شکل‌دهنده این عمیق‌ترین لایه متن یعنی "عمق عمق" محسوب می‌شوند. (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۵)

سه مرحله "سطح-سطح" و "عمق-سطح" و "سطح-عمق" به شکل سه محور اساسی ذیل مطرح شده‌اند: ۱- برداشت از اصل متن، ۲- جهت‌گیری و گرایش متن، و ۳- تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن (بشیر، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، متن به عنوان یکی از بخش‌های اصلی تحلیل باید مورد توجه و مطالعه جدی قرار گیرد. در مرحله بعدی جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن، به شکل جزئی و کلی و با توجه به لایه‌های سطحی و عمیق متن (میرفخرائی، ۱۳۸۳: ۱۴) در سطوح مختلف متن، مورد توجه، مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرند.

نکته قابل توجه آنکه مرحله "عمق-عمق" در این شیوه تحلیل پیشنهادی شامل دو مرحله است: ۱- مرحله عمیق، ۲- مرحله عمیق‌تر؛ که اولی برای مرحله نسبتاً کلان «عمق-عمق» و دومی برای مرحله کاملاً کلان متکی بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و تاریخی خواهد بود.

به منظور عملیاتی کردن این شیوه، در جداول سه ستونی که شامل "برداشت از اصل متن"، "جهت‌گیری و گرایش متن" و "تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن" هستند، ابتدا بخش‌هایی از متن پیام‌ها و فرمایشات امام (ره) و رهبر معظم انقلاب، که به شکل مشخص دارای بار معنایی در حوزه بیداری اسلامی است از سوی محقق انتخاب شد، سپس جهت‌گیری و به عبارت دیگر، مقصود اصلی از هر گزاره یا مجموعه گزاره‌ها استخراج شد و در ستون دوم (جهت‌گیری) قرار گرفت، آن‌گاه با دیدی کلان‌تر و با توجه به کلیت متن (بافت)، معنای نهفته و ضمنی در ستون سوم (تحلیل توجیهی) قرار گرفت و پس از انجام این مرحله، نهایتاً جداول بعدی رسم شدند؛ که حاوی محورهای عمیق و عمیق‌تر گفتمانی آنهاست. مجموعه مواردی که حول یک موضوع، قابل صورت‌بندی بود، در این جداول قرار گرفت و مرحله تبیین؛ یعنی سومین مرحله از تحلیل گفتمان را تشکیل داد.

مجموع پنج مرحله مزبور که در نهایت با یک نگاه فرامتنی و با استفاده از اطلاعات مرتبط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی صورت می‌گیرد، تشکیل دهنده تحلیل گفتمانی مورد نظر خواهد بود. با چنین شیوه‌ای می‌توان اطمینان یافت که با هر مرحله از شیوه پیشنهادی، بخشی از معنا در حلقه‌های مختلف، روشن شود و در نهایت، در مرحله پایانی تحلیل گفتمان، حلقه‌های معنایی مزبور، معنای کامل را البته بر پایه برداشت‌ها و قرائت خواننده ارائه خواهد شد. (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۰)

با دست یابی به دال‌های مرکزی و محورهای اساسی گفتمانی بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب می‌توان مقایسه معناداری میان این دو گفتمان برای کشف مراحل مختلف مربوط به بیداری اسلامی و چگونگی طرح و تکامل آن طی زمان را انجام داد.

در اینجا لازم است تأکید شود که چه اصولاً روشهای تحلیل گفتمان ناظر به نفی «فراروایت»، نفی «جوهرگرایی»، و نفی «غایت گرایی» است اما تحقیق انجام شده به دو دلیل خارج از این سه «نفی» معروف می‌باشد.

۱- سه نفی مزبور در مواردی صورت می‌گیرد که اصولاً گفتمان مطرح شده یک گفتمان مقطعی، موردی، زمینه‌ای و محصور در شرایط و موقعیت‌های خاص باشد. گفتمان امام (ره) و رهبری هیچگاه یک گفتمان با ویژگیهای مذکور نبوده است و موقعیت رهبری نیز چنین مسأله را منتفی می‌کند.

۲- برای اجتناب از مفاهیم مرتبط با «سه نفی» فوق‌الذکر، تلاش شده است که رهنمودها، راهبردها و گفتمان‌های اصلی امام (ره) و رهبری با رویکردهای «فرانظری» و «نظری» مطرح شوند که نوعی ادبیات سازی در این زمینه است.

با چنین رویکردی می‌توان گفت که این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان در صدد کشف گفتمان غالب و اساسی در بیانات امام (ره) و رهبر معظم انقلاب در حوزه بیداری اسلامی است که این گفتمان می‌تواند به عنوان راهبرد اساسی در کشف حوزه‌ها، فهم رویکردها، تبیین دال‌های

مرکزی، تعیین اخلاق راهبردی و بالاخره رسم «نقشه راه» برای حرکت‌های بعدی در این جریان اسلامی باشد.

سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی)

این کتاب (پژوهش) در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است. در مقدمه کتاب مروری بر اهمیت موضوع بیداری اسلامی و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب در این زمینه، چارچوب نظری و روشی پژوهش، شیوه جمع‌آوری مطالب، روش تحلیل گفتمان و بالاخره تقسیم‌بندی بحث مطرح شده است.

در فصل اول کتاب موضوع «بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سخنان امام (ره) که کلیت بیداری اسلامی را در بعد بیدارسازی مطرح فرموده‌اند، این مرحله را می‌توان مرحله فرانظریه «بیداری‌سازی اسلامی» نامید. حضرت امام (ره) بیدارگر بزرگ اسلامی عصر کنونی است. وی زمینه‌ساز بیداری اسلامی معاصر است. این مسئله را می‌توان از بیانات مختلف، از رهبری قدرتمند و بصیرت الهی ایشان به دست آورد. در این فصل محورها و دال‌های مرکزی بیانات امام (ره) با استفاده از روش تحلیل گفتمان مشخص و تبیین شده‌اند.

در فصل دوم کتاب بیانات و سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه بیداری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. این مرحله را می‌توان «مرحله بیداری اسلامی» خواند و رویکرد رهبر معظم انقلاب در این زمینه را «گفتمان نظریه پرداز بیداری اسلامی» نامید که فراتر از یک نظریه موقعیتی یا نظریه مقطعی یا بالاخره نظریه موردی است. «گفتمان نظریه پرداز بیداری اسلامی» رهبر معظم انقلاب یک نگاه نظریه‌پرداز کامل در حوزه بیداری اسلامی در جهان معاصر است که با توجه به اینکه بخشی از عناصر این بیداری ریشه در فطرت انسانی دارد، می‌تواند شامل کلیه جنبش‌های بشری معطوف به آزادی واقعی، عزت انسانی و بازگشت به فطرت الهی باشد.

در این فصل همانند فصل قبل فرمایش‌های معظم له در حوزه بیداری اسلامی، جمع‌آوری و با روش تحلیل گفتمان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شدند. با تحلیل بیانات مزبور محورها و دال‌های مرکزی در حوزه بیداری اسلامی مشخص و طبقه‌بندی شدند.

در فصل سوم کتاب تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های امام (ره) و رهبری در حوزه بیداری اسلامی با استفاده از روش مقایسه دائمی مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده‌اند. با چنین مقایسه‌ای می‌توان حوزه «بیدارسازی اسلامی» را از حوزه «بیداری اسلامی» به این معنا تفکیک کرد، که مرحله اول را مرحله بسترسازی و آماده‌سازی امت اسلامی برای قیام و مرحله دوم را مرحله تحقق قیام و نهضت بزرگ اسلامی در جهان اسلام نامید. شاخص‌ها و مؤلفه‌های هر مرحله برای آشنایی دقیقتر و عمیقتر از فرایند نهضت بزرگ امت اسلام برای دستیابی به حاکمیت الهی در زمین را می‌توان با چنین مقایسه‌ای به دست آورد. از طرف دیگر کشف این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برای جوامع اسلامی چه آنهایی که در این مرحله به پیروزی رسیده و چه آنهایی که در حال مبارزه برای دستیابی به پیروزی است، می‌تواند راهگشای حرکت‌های بعدی آنان در راه قیام و مبارزه باشد.

در فصل چهارم که فصل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است، الگوی بیدارسازی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب با تکیه بر دستاوردهای مختلف تحقیق انجام گرفته، ارائه خواهد شد. این الگو، یک الگوی متحرک و دینامیکی خواهد بود که علاوه بر داشتن عناصر ثابت و مشخص، می‌تواند در طی زمان با نیازهای زمان و ضرورت‌های هر مرحله متکامل‌تر و پربارتر گردد.

نگارنده معتقد است آنچه در این تحقیق آمده است تنها یک درآمد و آغازی بر مبحث مهم بیداری بزرگ اسلامی معاصر است که از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی در دو قرن اخیر شروع و با پیروزی انقلاب اسلامی یکی از آرمان‌های مهم آن تحقق و با آغاز بیداری اسلامی کنونی، مراحل

دیگری از آن در حال شکل‌گیری است. این مراحل همگی باید به شکل یک فرایند طبیعی از بیدارگری، بیدارسازی و بیداری اسلامی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و مورد بحث و بررسی علمی دقیق قرار گیرند.

از سوی دیگر به اعتقاد نگارنده بیداری اسلامی معاصر، تأثیرات فراوانی را بر جامعه جهانی داشته و خواهد داشت. آنچه که در جهان اسلام در شرایط کنونی می‌گذرد یک پیام بزرگ انسانی را در بر داشته که روح آن مبارزه با استبداد، فساد، بی‌دینی و انحراف از فطرت الهی است. این پیام قطعاً مورد توجه انسان‌های دیگر نیز خواهد شد. گرچه در این زمینه نمی‌توان آنچه را که هم‌اکنون به عنوان مثال در جهان غرب جریان دارد به گونه‌ای با بیداری اسلامی به شکل مستقیم مرتبط دانست، اما باید اذعان کرد قیام وسیع انسان‌ها در یک نقطه از جهان قطعاً بر روی نقاط دیگر جهان تأثیرات خود را خواهد گذاشت و توجه انسان‌ها را به خود جلب و در صورت داشتن وضعیت‌های مشابه، نتایج مشابهی را به دست خواهد آورد.

در این کتاب تلاش شده است با روش‌های پژوهش علمی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه بیدارسازی و بیداری اسلامی کشف، مطالعه و مورد بحث و بررسی قرار گرفته و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آنها به دست آمده و سپس الگوی متکی بر دیدگاه‌های ایشان در این زمینه ارائه شود. بدیهی است که این اقدام یک پژوهش داده‌بنیاد و متکی بر کشف معانی، مفاهیم، رویکردها و اصول نظری- عملی «بیداری اسلامی» از بیانات و فرمایش‌های امام (ره) و رهبر معظم انقلاب است.

امید است آنچه که در این زمینه مورد بحث و مطالعه قرار گرفته شده، پایه‌ای مستحکم برای مطالعات بعدی در این رابطه باشد. بدیهی است نگارنده مدعی نیست که این پژوهش همه جنبه‌های لازم را مورد پوشش قرار داده است، اما تلاش صادقانه‌ای را به معرض نمایش گذاشته که امید است مورد توجه اندیشمندان، علاقمندان، و تلاشگران راه بیداری اسلامی

باشد که با ارائه پیشنهادهای تکمیلی یا نقدهای تعدیلی این عمل متواضعانه را غنی‌تر و مستحکم‌تر سازند.

در پایان این مقدمه بر خود لازم می‌دانم که از حمایت و همکاری صمیمانه آقایان دکتر یحیی طالبیان رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دکتر علی صباغیان رئیس پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل، و آقای حسن غمیلو مدیر گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام که با طرح این موضوع مهم، آغازگر این پژوهش بودند، تشکر و سپاسگزاری کنم. همچنین از دوستان عزیز جناب آقای محمدصادق نصراللهی که در تهیه طرح پیشنهادی و جناب آقای علی وحیدی که در تهیه جداول سه‌گانه تحلیل گفتمان امام (ره) و رهبری، کمک‌های شایانی کردند، تقدیر و تشکر کنم.

بدیهی است که برای انتشار این اثر، افراد دیگری نیز همکاری لازم داشته و خواهند داشت که از جمله آنان سرکار خانم صالحی است که زحمات زیادی در پیگیری کارها و به انجام رساندن آنها داشته‌اند که از ایشان و بقیه همکاران محترم در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تشکر می‌کنم.

دکتر حسن بشیر

دانشیار جامعه‌شناسی ارتباطات بین‌الملل

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره)

مقدمه

امت اسلامی در طول حیات خود دچار نوسان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بوده است؛ روزی در اوج بود و زمانی دیگر در حسیض. تحولات ایجاد شده از قرن ۱۸ در کشورهای غربی نیز تأثیرات فراوانی بر جوامع اسلامی نهاد. ظهور استعمار، نه تنها انبساط تفکر سلطه‌گری غرب را به معرض نمایش می‌گذارد، بلکه از طرف دیگر انقباض خودباوری و استقامت محوری در جوامع اسلامی را نیز می‌نمایاند.

این وضعیت انقباضی به ویژه در قرون اخیر در نقاط مختلف جهان اسلام متفاوت بوده است. نیاز به تحول، ظهور جنبش‌های تجدیدطلبی، تولد لایه‌های مقاومت در میان اندیشمندان، روشنفکران و جوانان، و بالاخره بروز بارقه‌های بیداری اسلامی در امت اسلامی یکی از ویژگی‌های قرون اخیر بوده است. این وضعیت که می‌توان آن را «گذار از مرحله خاموشی و خمود» به «مرحله آگاهی و بیداری» نامید، در جای جای عالم اسلامی دیده می‌شود. علمای دین در بیشتر سرزمین‌های اسلامی، سردمداران این حرکت احیابخشی و بیدارگری بودند. مفاهیم حیات‌بخش اسلام، روح معنوی این

حرکت به حساب می‌آمد و درک وضعیت ذلت بار و ضرورت بازگشت به مرحله عزت اسلامی هدف و غایت آن بود.

گذر جهان اسلام از مرحله استعمارگری به مرحله استقلال‌گری، تحولات وسیعی را در پی داشت. در حقیقت آغاز مرحله بیدارگری مبارزه با استعمار، خود زمینه‌ساز تحولات بعدی گردید. حرکتی که محور آن ضدیت با استعمار بود، در طول زمان پر بارتر شد و خود تبدیل به یک قدرت بی‌نظیری برای ایجاد تغییرات بعدی گردید. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تحول، بروز یا در حقیقت احیای مجدد اعتماد به نفس مسلمانان در انتخاب راه زندگی کردن و شیوه دفاع از هستی و موجودیت خود بود.

مطالعه تاریخی^۱ تحولات جریان بیداری اسلامی^۲ در جهان اسلام نیازمند یک تحقیق ویژه‌ای است که بیش از آنکه به تاریخ تحول یا به عبارتی «کرونولوژی»^۳ یا تاریخ فرهنگ^۴ آن تحول بپردازد، تاریخ فرهنگی^۵ این تحول را بازگو کند. تاریخ فرهنگی در حقیقت نوعی از تحلیل مبتنی بر فرهنگ‌گرایی^۶ است که با دید گفتمانی و معناشناسانه به تحولات مزبور نگاه می‌کند و در صدد کشف معانی نهفته، عوامل مؤثر، روابط میان ساختارها و حوادث و بالاخره تحلیل ناگفته‌های پنهان ورای لفظ و حرکت و اقدام است. بنابراین مطالعه تاریخ فرهنگی تحولات جهان اسلام در قرن‌های اخیر، کلید کشف انگیزه‌ها، عوامل، چگونگی و نهایتاً نتایج تغییرات ایجاد شده است. بدون این مطالعه امکان کشف معنای گفتمانی موجود در فرایندهای این تحولات نیست. در اینجا برای تحلیل مرحله کنونی بیداری اسلامی لازم است که نگاهی به تحولات مزبور، هر چند به اختصار، داشته باشیم.

-
1. Historical Studies
 2. Islamic Awakening
 3. Chronology
 4. History of Culture
 5. Cultural History
 6. Culturalism

سلفی‌گری و اصلاح‌طلبی در جهان اسلام

بازگشت به شیوه «سلف صالح» بیش از آنکه یک بازگشت زمانی و مکانی را تداعی کند، یک بازگشت معنایی و هویتی است. «سلفیه خود را پیروان «سلف صالح» پیشینیان نیکوکار معرفی می‌کنند که شأن و بزرگی آنها به سبب مصاحبت و قرب زمانی به پیامبر اکرم (ص) است و از این رو، درک ناب و فهم خالصی از اسلام، همراه با عمل به اسلام داشتند.» (Shahin, 1995, vol. 3, p. 463). «بازگشت به سلفیه در پیشینه تاریخی‌اش، به اصطلاح «سلف» است که در تعبیر عالمان اصحاب حدیث در سده‌های متقدم رایج شده بود و حتی در صحیحین نیز دیده می‌شد (مثلاً بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۵۱؛ مسلم، ۱۹۵۵، ج ۱، ص ۳۲). اینان با استناد به احادیثی چون حدیث «مافضی به الصالحون» از زبان پیامبر (ص) اقوال سلف را در صورت نبود حکمی از کتاب و سنت، مرجع نهایی می‌شمردند (دارمی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۱؛ نسایی، ۱۳۴۸، ج ۸، صص ۲۳۱-۲۳۲).

جریان سلفی‌گری در اشکال مختلف خود، چه در عصر قدیم و چه عصر متقدم، تأثیرات فراوانی بر حرکت بیداری اسلامی در اشکال سلبی و ایجابی آن داشته است.

جریان سلفی‌گری را می‌توان از عصر صحابه تا پایان سده دوم قمری، با شکل‌گیری نوعی از تعارض در مقابل جریان معرفت‌گرایی دینی، توجه به مسائل روز و اندیشه‌های متنوع مورد شناسایی قرار داد که به دنبال تثبیت ساختارهای دینی، به جای معرفت‌ها و محتوای دینی بودند. در یک تقسیم‌بندی مشخص‌تر می‌توان سیر تاریخی این جریان را چنین گفت: «دوران متقدم یا اولیه [از صدر اسلام تا سده دوم هجری قمری]، دوره پیش از عصر جدید (قرن ۱۷-۱۹ م) و دوره معاصر (قرن ۲۰ م)» (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۴۹۰).

احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ هـ) آخرین شخص از نسل سلف صالح شناخته می‌شود که سلفیه به او تأسی می‌جویند. از نظر وی وحی بر عقل